

احترام به تفاوت های فردی!

رفتارهای مثبتی بر سبک های یادگیری یکسان نیستند!



لیلا سلیقه دار
دکترای برنامه ریزی آموزشی

یکی از ضرورت های یادگیری امروزی، فراگرفتن شیوهی یادگیری است و وظیفه ی نظام تعلیم و تربیت از اینکه معلوماتی را از یک نسل به نسل دیگر منتقل کند، بسیار گسترده تر شده است. آموزش چگونه فکر کردن و دانستن درباره ی یادگیری هم برای دانش آموزان و هم معلمان به اصلی جدایی ناپذیر از فرایند یاددهی-یادگیری بدل شده است. به صورت کلی، یادگیری در روان شناسی جایگاه و اهمیت خاصی دارد و یکی از شاخه های تخصصی آن محسوب می شود. همراه با استقلال یافتن روان شناسی یادگیری، مطالعه درباره ی تفاوت های فردی در یادگیری نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله نتایج این مطالعه آن است که افراد متناسب با تفاوت های فردی خود، در یادگیری از سبک های متفاوت استفاده می کنند. شناخت سبک های یادگیری به آموزگار کمک می کند زمینه ی فعالیت های گوناگون مرتبط با هر سبک یادگیری را در کلاس فراهم آورد و به این ترتیب به تفاوت های فردی احترام بگذارد. در این نوشته، بر اساس یکی از دسته بندی های مربوط به سبک یادگیری، به نمونه های کلاسی اشاره شده است.

کلیدواژه ها: سبک یادگیری، فنون تدریس

ترجیح یادگیری

برخلاف هوش و استعداد که توانایی هستند، سبک یادگیری توانایی نیست و به اینکه یادگیرنده چگونه یاد می گیرد اشاره می کند، نه به اینکه به چه خوبی از عهده ی یادگیری برمی آید. می توان سبک یادگیری را به عنوان روشی تعریف کرد که یادگیرنده در یادگیری خود آن را به روش های دیگر ترجیح می دهد. به همین سبب، بعضی روان شناسان، از جمله وولفلک^۱ (۲۰۰۴) اصطلاح «ترجیح یادگیری آ» را بهتر از سبک یادگیری می دانند و برای آن تعریف زیر را ارائه می دهند:

«راه های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری، مانند استفاده از تصویر به جای کتاب، کار کردن با دیگران در عوض تنها کار کردن، یادگیری موقعیت های ساختمند در مقابل موقعیت های غیر ساختمند و غیره».

سبک خوب، سبک بد!

از آنجا که دانش آموزان سبک های یادگیری متفاوت دارند و این سبک ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد، لازم است معلمان از چگونگی و انواع آنها آگاه باشند تا دانش آموزان را در استفاده از سبک های متنوع یادگیری کمک کنند. معلم در برخورد با یادگیرندگان گوناگون باید بپذیرد که هر یک از آنان ممکن است به سبک خاصی از یادگیری، به انجام تکالیف درسی و یادگیری بپردازد. رفتار دانش آموزان نیز به گونه ای با سبک یادگیری آنان در ارتباط است.

بنابراین، لازم است معلم آماده باشد با هر دانش آموز برخوردی متناسب با سبک و شیوه ی یادگیری او داشته باشد. به طور مطلق نمی توان گفت یک سبک یادگیری از سبک دیگر بهتر یا بدتر است. بیان درست تر این است که بگوییم، بسته به شرایط و موضوعات یادگیری، هر سبکی ممکن است خوب باشد یا نباشد. با این حال، معلم نباید تفاوت های فردی را از نظر دور بدارد، بلکه همواره باید به یادگیرندگان فرصت و امکان بدهد تا در موقعیت های گوناگون و در تکالیف متفاوت، سبک های مناسب را به کار بندند و بیشترین استفاده را ببرند (سیف، ۱۳۹۸).



تصویر تزئینی است.



همه در یک قالب

در کلاس‌های درس، گروهی از دانش‌آموزان پشتکار خوبی دارند و می‌توانند از حداکثر توان خود برای مطالعه و یادگیری استفاده کنند، در صورتی‌که عده‌ای هم پشتکار لازم را ندارند و به‌طور مرتب باید به آن‌ها گوشزد کرد چگونه، کجا، چه وقت و تا چه مقدار درس بخوانند.

برای من دست بزنید!

بعضی افراد برای رسیدن به اهدافشان به تقویت و تشویق احتیاج ندارند و در واقع خودانگیزه هستند. در صورتی‌که بعضی دیگر حتماً باید تأیید و تشویق شوند تا موفق‌تر عمل کنند.

■ یکی از جملاتی که غالباً از والدین می‌شنوم، این است که فرزند من حساس است و توجه و تأیید معلم را نیاز دارد. با آن‌ها موافق هستم، اما تجربه‌ام نشان داده است که همه در این زمینه یکسان نیستند. همه‌ساله دانش‌آموزانی دارم که بسیار خودجوش هستند و همین هم موجب می‌شود گاهی فراموش کنم آن‌ها هم به تأیید من نیاز دارند. آن‌ها تکالیف و مسئولیت‌هایشان را بی‌نیاز از نگرانی والدین، تذکر من یا هر یادآوری‌کننده‌ی دیگر، دنبال می‌کنند و شاید در نهایت تنها با دریافت یک بازخورد ساده به ادامه‌ی کار می‌پردازند. این تفاوت‌ها از سبک یادگیری افراد ناشی می‌شوند که همان روش و راه ترجیحی هر شخص برای دریافت، پردازش و ارائه‌ی اطلاعات و ایده‌هاست (Karagiannidis & Sampson, 2004).

برخی دسته‌بندی‌ها در باره‌ی سبک‌های یادگیری، برای تصمیم‌گیری‌های درست و طراحی آموزشی مؤثر به معلم کمک می‌کند.

تغییر را دوست ندارم!

سبک مقاوم در برابر تغییر، در مقابل سبک انعطاف‌پذیر^۳.

افراد دارای سبک مقاوم در برابر تغییر، نسبت به پذیرش شواهد یا نظریه‌های غیرمعمول و غیرمنتظره و ناخواسته تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، در صورتی‌که افرادی که سبک انعطاف‌پذیر دارند، بیشترین سازگاری را با نقطه‌نظرات جدید، مختلف یا غیرمنتظره دارند (Bielher & Snowman).

■ تجربه‌ی روش‌های تدریس فعال و متنوع در کلاس را بسیار دوست دارم و از آن‌ها استقبال می‌کنم. گاهی پیش آمده‌است که در ارائه‌ی برخی فعالیت‌ها، مانند مرحله‌ی «برهم‌زدن تعادل» در روش تدریس کاوشگری، متوجه شده‌ام همه‌ی دانش‌آموزان از آن لذت نمی‌برند و درگیر نمی‌شوند. همچنان که برخی دانش‌آموزان در روش‌های تدریس بارش فکری و مباحثه‌ی گروهی بسیار مجذوب شده‌اند و فعالانه شرکت می‌کنند. با این حساب، ایجاد تنوع در روش‌ها و فعالیت‌های گوناگون، کمک می‌کند تعداد بیشتری از دانش‌آموزان را در یادگیری همراه کنم. در عین حال نتیجه گرفتیم، هر زمان تعداد کمی از دانش‌آموزان در فعالیتی نوآورانه همراهی نکردند، آشفته نشوم و از پیش، سایر فعالیت‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کنم که چندان غیرمعمول یا غیرمنتظره نباشند و همه‌ی دانش‌آموزان به شیوه‌ی خود درگیر یادگیری شوند.

■ در سال‌های اول معلمی تصور نمی‌کردم لازم است برخی رفتارها را برای همه‌ی دانش‌آموزان دنبال کنم. برای مثال، تکلیف درس تاریخ، روحانی و مطالعه‌ی درس و پاسخ دادن به سؤالات بود و به‌نظر من، همین اندازه کفایت می‌کرد که همه بدانند چه کاری باید انجام دهند. اما به مرور و در مواجهه با افت برخی دانش‌آموزان و درخواست برخی والدین، متوجه شدم لازم است ساعت و میزان مطالعه و چگونگی آن را هم برای تعداد مشخصی از دانش‌آموزان تعیین کنم. انجام این کار سخت بود، چون ممکن بود میزان تعیین شده با ویژگی یادگیری همان تعداد از دانش‌آموزان چندان تناسبی نداشته باشد. بنابراین، پس از این مرحله تصمیم گرفتم برنامه‌های پیشنهادی را در اختیار بچه‌ها قرار دهم. از آن‌ها دعوت کردم برنامه‌ها را با توجه به شرایط خودشان بررسی کنند و با انتخاب و عمل به آن، متوجه شوند چگونه بهتر یاد می‌گیرند. از آن زمان، به‌ویژه در پایه‌های پنجم و ششم، روند خوبی را در تلاش و یادگیری متناسب با دانش‌آموزان ملاحظه می‌کنم.

کوتاه سخن

مطالعه و آشنایی با سبک‌های یادگیری از دیگر شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است که می‌تواند به طراحی آموزشی مؤثر کمک کند. برای این منظور نیازی نیست معلم سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان را به تفکیک بداند، بلکه نیاز دارد به دور از تعمیم‌ها و پیش‌داوری‌ها، درباره‌ی رفتار دانش‌آموزان حساس باشد و به ریشه‌های مرتبط با سبک یادگیری آن‌ها در برخوردشان با فعالیت‌های یادگیری توجه نشان دهد. با این نگاه، بسیاری از شیوه‌های ترغیبی برای دانش‌آموزان معنای دیگری پیدا می‌کنند و لزوماً مبصر شدن در کلاس نمی‌تواند شیوه‌ی مؤثری برای تشویق باشد؛ همچنان‌که نوع روش تدریس و راهبردها و فنون تدریس مبتنی بر سبک‌های یادگیری، می‌تواند به پیشگیری و بهبود رفتارهای مورد انتظار و در راستای یادگیری دانش‌آموزان کمک کند.

شیطنت‌های سازنده

سبک خطرپذیری، در در برابر سبک محافظه‌کاری^۶

سبک خطرپذیری، به تفاوت‌های فردی در تمایل به استفاده از فرصت‌ها برای نیل به اهداف مورد نظر، در مقابل تلاش برای کسب اطمینان کامل از موقعیت و اجتناب از موقعیت‌های خطرناک اشاره می‌کند. (Srivastava, 1997)

■ گاهی فکر می‌کنیم دانش‌آموزان شلوغ بچه‌های قانون‌پذیری نیستند، اما می‌نوان از این زاویه هم به این موضوع نگاه کرد که برخی دانش‌آموزان بیشتر از دیگران به ماجراجویی نیاز دارند. آن‌ها آماده‌اند که خطرات را بپذیرند، محدود نباشند و به دلیل اینکه به اندازه‌ی کافی برای انجام کار اطمینان پیدا نکرده‌اند، سرزنش نشوند. برای مثال، از زمانی که «نقشه‌خوانی گنج» را در کلاس پیاده کردم، علاقه‌مندی عده‌ای از دانش‌آموزان را که تصور می‌کردم از بقیه شیطان‌ترند، به شدت احساس کردم و اوضاع رفتاری این دانش‌آموزان خیلی متفاوت شد. در این برنامه، گاهی چیزهای مهم و مورد علاقه‌ی بچه‌ها را در جایی از مدرسه قرار می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم مطابق نقشه آن را پیدا کنند. گاهی برای این کار چندین روز زمان در نظر می‌گیریم و نتیجه فوق‌العاده است.



همه نماینده‌ی خوبی نیستند!

سبک خودگردانی قوی، در برابر خودگردانی ضعیف^۴.

افراد دارای خودگردانی ضعیف یا قوی، با توجه به سطح حرفه‌ای خود، از یکدیگر متفاوت هستند. معمولاً افراد دارای خودگردانی قوی نسبت به افراد دیگر موفقیت‌های بالاتر و موقعیت‌های بهتری پیدا می‌کنند.

■ بین دانش‌آموزان رقابت زیادی برای اینکه به‌عنوان نماینده‌ی کلاس انتخاب شوند وجود دارد، اما دو نکته‌ی مهم در این باره مطرح است؛ اول اینکه همه‌ی بچه‌ها به نماینده و مبصر شدن علاقه ندارند و دیگر اینکه همه‌ی آن‌ها به‌صورت یکسان در انجام این کار موفق نیستند. آن گروه از دانش‌آموزانی که درباره‌ی مدیریت خودشان هم موفق هستند، معمولاً بهتر از سایرین ایفای نقش می‌کنند، انتظارات روشن‌تری دارند و با انرژی بیشتر پیگیر موارد هستند.



منابع:

1. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. چاپ ۱۷. دوران. تهران.
2. Woolfolk, A.E., (2004). Educational psychology (3rd ed.). EnglewoodClifs, N.J.: prentice-Hall.
3. Karagiannidis, C & Sampson, D. (2004). Adaptation Rules Relating learning styles Research and learning objects Meta. Workshop on individual Differences in Adaptive Hypermedia, 3th international conference on Adaptive Web based systems (Ah 2004), Eindhoven, Netherlands Available: WWW.iti.gr.
4. Ellis, D. (2004). Discovering how we learn. Available: WWW. Learningstyles.com.
5. Bielher, R.F. & Snowman, J. Psychology applied to teaching (1th ed). Boston Houghton Mifflin Blagrove, M., and Tueker, M. (2114). Individual differences in locus of control and the reporting of lucid dreaming. Personality and Individual Differences. 19(9), 11-914.
6. Srivastava, P. (1997). Cognitive style in educational perspectives. New Dehli (INDIA): Anuol.